

هفته نامه فرهنگ، سیاست  
اجتماع، اقتصادی، دانشجویی

# عهد ۱۳۱۴

بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز | سال دوازدهم | آبان ماه ۱۴۰۰



# ایستگاه معرفت زن در نگاه اسلام



وسيله گناه بودن او به میان نیاورده است، بلکه معتقد است هریک از مرد و زن اگر گناهی مرتکب شوند، خود مسئول کردار خودشان شناخته شده اند.

در دیدگاه شهید مطهری، قرآن همان طور که مردان را در نتایج کار و تلاششان دارای حق می‌داند، زنان را نیز در نتیجه کار و فعالیت شان ذی حق می‌شمرد

موضوع دفاع از حقوق زن در جهان غرب، زمانی اوج گرفت که کارخانه‌ها به کار ارزان و بی‌مشکل زنان احساس نیاز کردند. برای حرکت اقتصادی و چرخش چرخ‌های صنایع، زنان، نیروهای کمی‌هزینه شناخته شدند و می‌بایست از درون خانه‌ها بیرون کشیده شوند، ولی زمانی که اسلام از حقوق زن سخن به میان آورد، جز کرامت او هیچ چشم داشت دیگری تصور نمی‌رفت.

اگر سهم مرد و زن را در زندگی مورد توجه قرار دهیم، خواهیم یافت که سهم زن در شکل‌گیری نهاد خانواده و رنج او برای تدبیر درونی آن بیش از مرد است، چرا که زن دوران بارداری، درد زایمان و عوارض آن، فصل شیرخوارگی فرزند و پرستاری از او را تحمل می‌کند، از نیروی بدنی او کاسته می‌شود، توانایی وی در کار و تولید کاهش می‌یابد، با این شرایط آیا منصفانه است که تأمین هزینه زندگی را نیز برعهده داشته باشد! حجاب و یا به عبارت صحیح‌تر (عفاف) اختصاص به زن ندارد، بلکه مرد و زن هر دو به یکسان مخاطب قرآن قرار گرفته‌اند که باید عفاف و پاکدامنی را حفظ کنند و از هرزگی و روابط نامشروع جنسی بپرهیزند. بنابراین اگر تکلیفی هم هست زن و مرد هر دو در آن مشترکند.

قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده ایم: (یاایها الناس اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید، آن که شما را از یک نفس (جنس) آفرید و از آن (نفس واحد) همسر او را و از آن دو مردان و زنان بسیار پدید آورد. یعنی آفرینش انسان چه مرد و چه زن از یک جنس و به یک گونه بوده است

در آیات دیگر نیز به صراحت اشاره شده که زن و مرد در آفرینش یکسانند و هیچ یک بر دیگری امتیازی ندارند. این درحالی است که تورات موجود، زن را از ماده‌ای حقیرتر از سرشت مرد، معرفی کرده است و معتقد است که وجود زن، طفیلی وجود مرد است و از دنده چپ مرد آفریده شده است

یکی دیگر از نظریات تحقیرآمیزی که در گذشته وجود داشته است و در ادبیات جهان آثار نامطلوبی بجا گذاشته است این است که زن عنصر گناه است، از وجود زن شرّ و وسوسه برمی‌خیزد، زن شیطان کوچک است، می‌گویند در هر گناه و جنایتی که مردان مرتکب شده‌اند زنی در آن دخالت داشته است، می‌گویند مرد در ذات خود از گناه مبرا است و این زن است که مرد را به گناه می‌کشاند، می‌گویند شیطان مستقیماً در وجود مرد راه نمی‌یابد و فقط از طریق زن است که مردان را می‌فریبد، شیطان، زن را وسوسه می‌کند و زن، مرد را.

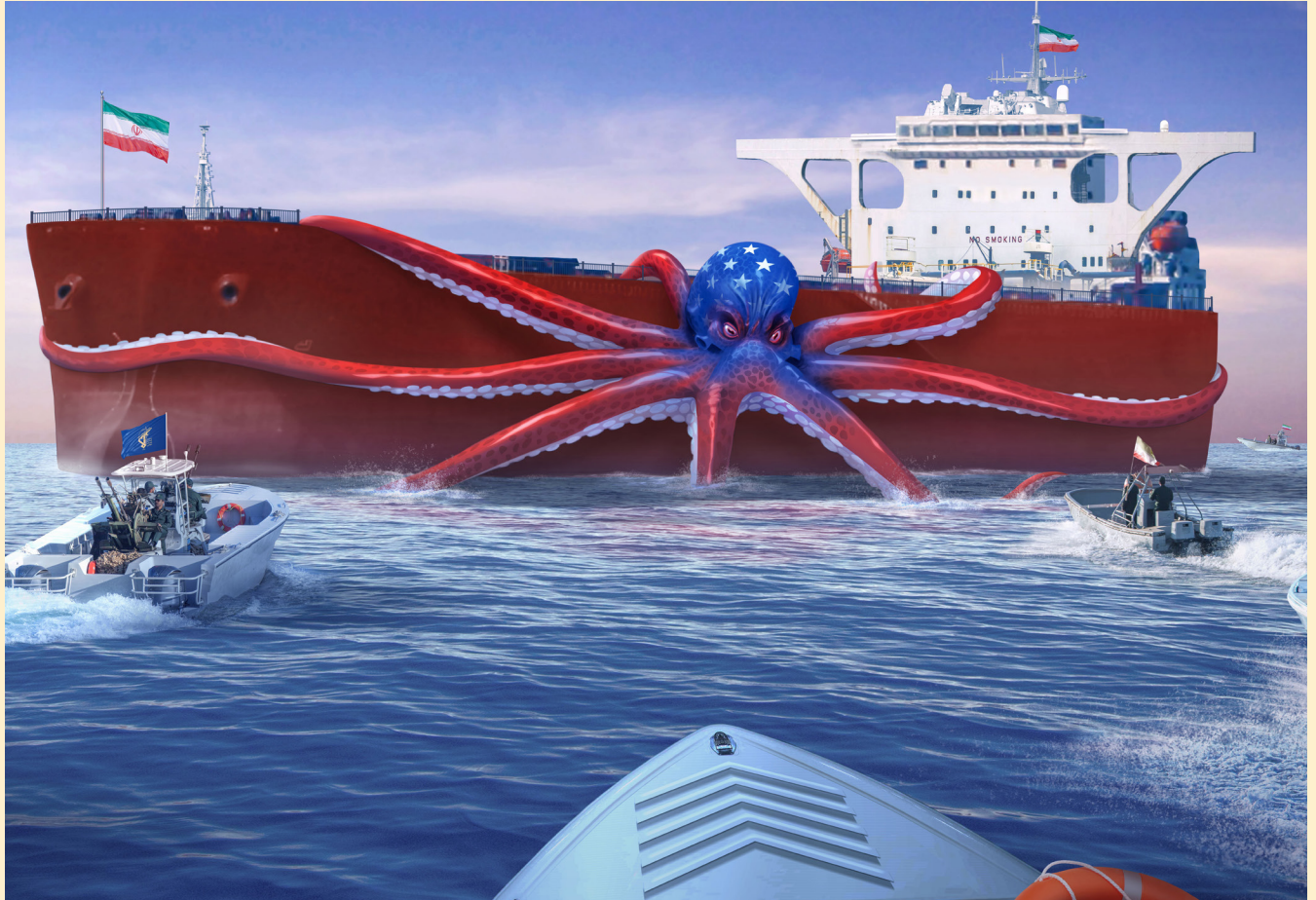
قرآن داستان آدم و حوا را در موارد گوناگون بیان کرده، اما هرگز سخن از شیطان بودن زن یا

## ایستگاه سیاست

# گفتاری کاملاً نابه‌جا

حمیدرضا قربانی

کارشناسی زمین‌شناسی



در پایان هفته گذشته خبر پیروزی غرورآفرین نیروهای مسلح کشورمان در یک تقابل دریایی با نیروهای آمریکایی، مردم را بسیار خرسند نمود و پیامدهای مربوط به آن که باز پس‌گیری مال نفت دزدیده شده کشورمان بود.

که متأسفانه بازخورد های افرادی قرار گرفت که با لحن تمسخر آمیزی با این دستاورد برخورد کردند و در واقع همان افرادی بودند که حامی دولت هشت ساله قبل بودند و از همه بدتر توییت شخص آقای صادق زیبا کلام بود که ایشان شخصا با زبان طعن آمیزی اقتدار نیروهای مسلح کشورمان را زیر سوال برده و هم یک دوگانگی معیشتی و هم امنیت و اقتدار ملت ایران را زیر سوال برده است، و همچنین طوری در مورد رویارویی قایق های دلاورمردان کشورمان با ناوها و تفنگداران آمریکایی با زبان طعن صحبت می‌کنند که گویا جنگ هشت ساله ما را ندیده‌اند ... که چگونه ارتش مسلح سعودی را با کلاشینکف به زانو درآوردیم.

گویا ایشان پیروزی در جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ های غزه و اسیر کردن سربازان متجاوز انگلیسی و سایر موارد را ندیده که این گونه سخن به طعن می‌زنند و گویا در اشتباهات صحبت بخش دوم سخن آقای زیبا کلام، ایشان معتقدند که اعتبار هر تحولی در کشور معطوف به میزان تأثیر آن بر کاهش بیکاری و تورم است، البته با توجه به سخن گفته آقای زیبا کلام اگر در هر کشوری مرغ یا مسکن و ... گران شود باید قید امنیت و فرهنگ آن کشور را زد، البته خبر پیروزی ناوهای ما موجب مهار تورم و افزایش درآمد افراد خواهد شد چرا که بازپس‌گیری ۷۵۰ هزار بشکه نفتی کشورمان، معادل با ۵۵ میلیون دلار از ثروت ملی مرتبط با معیشت مردن نیست پس چه چیزی باعث مهار تورم و ارزانی خواهد بود؟

البته آقای صادق زیبا کلام که هدفشان از بین بردن امنیت ملی کشورمان است متذکر باشند که این آمریکای ابر قدرت و پوشالی برای اینکه بتوانند به مذاکره برگردند باید به همچنین اقداماتی همین دزدی نفت کشورمان دست بزنند، البته آنچه نمایان است این نکته است که آمریکا بیش از هر چیزی به توافق با مذاکره با ایران در برجام موافق است، البته فهرست مشکلات ایالات متحده بیش از اینهاست: اینکه ایران به تحریم‌ها خورده و اینکه خوداتکایی و اصلاحات اقتصادی پیشه کرده و اینکه به الگویی از مقاومت در برابر استکبار تبدیل شده و ... اکنون نیز غرورآفرینان کشورمان در دریای عمان، دست حریف را رو کرده و ضعف وی و اقتدار ما را به رخ کشیدند چرا برخی به جای تجلیل و تشکر زبان به طعن و کنایه می‌گشایند؟

## ایستگاه بین الملل

# طالبان و امروز طالبان

علی ابوالحسن مطلق

کارشناسی مهندسی برق

طالبان، گروهی است که عمدتاً از مسلحان سلفی افغانستان قوم پشتون تشکیل شده است و هدف خود را سرنگونی نظام سیاسی این کشور و تشکیل امارت اسلامی افغانستان عنوان می‌کند و تاکنون دو مرتبه (یکی در مهرماه سال ۱۳۷۵ و یک مرتبه در مرداد سال ۱۴۰۰ هجری شمسی) با تصرف پایتخت افغانستان تشکیل حکومت داده است. اندیشه و رفتار طالبان بر مبنای فقه حنفی و رسوم قبیله‌ای پشتون استوار است.

در دهه ی ۴۰ شمسی، احزاب سنی پاکستان مانند جمعیت علمای اسلام، جماعت اسلامی و اهل حدیث، در ایالات بلوچستان و سرحد پاکستان مدارس علمیه ایجاد کردند. پس از اشغال افغانستان به دست ارتش شوروی در زمستان سال ۱۳۵۸، صدها هزار افغانستانی از شهرها و روستاهای شان به سمت پاکستان مهاجرت کردند. مهاجرین افغانستانی اکثراً در داخل اردوگاه هایی که از طرف دولت پاکستان و سازمان ملل تاسیس شده بود، اسکان داده شدند و تعداد قابل توجهی از جوانان افغانستانی، وارد این مدارس دینی شدند و بعد ها جنبش طالبان از همین طلاب و علمای مدارس دینی تشکیل یافت.

در مهر ماه سال ۱۳۷۳ بعد از خروج نیروهای شوروی از خاک افغانستان و در اوج جنگ های داخلی پس از آن گروهی ناشناخته وارد منطقه ی سپین بولدک ولایت قندهار شدند و خود را تحریک اسلامی طلبای کرام معرفی کردند که امروزه آنان را طالبان می‌نامیم. طالبان به سرعت توانستند قندهار را تصرف کنند و حکومت محلی خود را تشکیل دهند. در مهر ماه سال ۱۳۷۵ این گروه توانست برای اولین بار وارد کابل شود و امارت اسلامی افغانستان را تاسیس کند. طالبان در دوره اول حکومتش بین سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ حدود سه چهارم از مساحت افغانستان را در کنترل خود داشت.

طالبان در دوره ی اول حکومتش، شیعیان افغانستان را محدود کرده بود و شیعیان افغانستان زیر فشار و سرکوب شدید بودند. علت این رفتار طالبان به آموزه های مدارس دینی شان بر می گردد. یکی از آموزه های این مدارس این بود که شیعیان، فاسد و خارج از دین هستند و همچنین خارجی ها نیز نیروهای شیطانیه معرفی می شدند. البته لازم به ذکر است که این با عقیده داعش که شیعه را کافر و محکوم به مرگ میدانند متفاوت هست.

در پی حمله ای مشکوک به مرکز



طالبان به پاکستان متواری شدند. پس از سقوط طالبان، یک نظام جمهوری با حمایت نیروهای ائتلافی در افغانستان تشکیل شد، در سال ۱۳۸۵ طالبان فعالیت های خود را از سرگرفت و اقداماتی را علیه نیروهای دولتی افغانستان و ائتلاف خارجی را آغاز کرد. روش طالبان حملات انتحاری علیه اهداف شهری و حملات چریکی و کمین در حومه شهرها بود. طالبان از ضعف دولت افغانستان استفاده کرد و رفته رفته مناطقی را در جنوب و شرق افغانستان به کنترل خود درآورد. نیروهای ائتلاف سعی کردند با افزایش نیروهای خود در خاک افغانستان و عملیاتی موسوم به عملیات ضد شورشی مناطق تحت تصرف طالبان را پاکسازی کنند که این وضع تقریباً تا سال ۱۳۹۳ بی نتیجه ادامه یافت.

پس اعلام کشته شدن اسامه بن لادن در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۰ به دست نیروهای آمریکایی، کشورهای ائتلاف به تدریج نیروهای خود را از افغانستان خارج کردند و در سال ۱۳۹۳ نیروهای ائتلاف به طور رسمی به انجام عملیات شان در خاک افغانستان پایان دادند و امنیت افغانستان را به دولت افغانستان سپردند. اما علی رغم خروج نیروها، تعداد قابل توجهی از آن ها همچنان تا سال ۱۴۰۰ در خاک افغانستان حضور داشتند که اکثریت آنان را نیروهای آمریکایی تشکیل می دادند. نیروهای ائتلاف که نتوانسته بودند طالبان را با نظامی گری شکست دهند برای پایان دادن درگیری با طالبان به دیپلماسی روی آوردند. در بهمن ماه ۱۳۹۷ دولت آمریکا پس از چند دور شکست دور جدیدی از گفت و گو ها را برای صلح با طالبان آغاز کرد و در نهایت توافقنامه صلح میان طالبان و آمریکا در تاریخ ۱۰ اسفند ۹۸ به امضا رسید که به توافقنامه ی دوحه مشهور شد. طبق این قرارداد باقی مانده نیروهای آمریکایی

تجارت جهانی نیویورک در ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ آمریکا گروه القاعده را متهم اصلی این حمله دانست و از طالبان خواست تا اسامه بن لادن، رهبر القاعده، را به آمریکا تحویل دهد اما طالبان از این اقدام ممانعت کرد، عدم همکاری طالبان در دستگیری اسامه بن لادن، به دولت آمریکا این بهانه را داد که با تشکیل ائتلافی بیش از چهل کشور به افغانستان حمله کند بعد از شروع این حمله که از آن با عنوان عملیات آزادی بخش یاد می کردند تقریباً طی یک ماه حکومت طالبان سقوط کرد. پس از سقوط امارت اسلامی افغانستان اعضای باقی مانده



تا ظرف ۱۴ ماه از خاک افغانستان خارج می شدند. ولی آمریکا مدام تاریخ خروج تمام نیروهای خود را به تعویق می انداخت. طالبان این کارشکنی آمریکایی ها را رد کرد و پس از پایان مدت ۱۴ ماهه و همزمان با خروج بخشی از نیروهای آمریکایی از افغانستان، حمله ی گسترده ای را با هدف اخراج نیروهای آمریکایی آغاز کرد و به خاطر ضعف دولت افغانستان با سرعتی خیره کننده طی تقریباً یک ماه کنترل بیشتر خاک افغانستان را بدست گرفت و در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۴۰۰ با تصرف پایتخت، مجدداً امارات اسلامی افغانستان را احیا کرد.

طالبان بعد از آتش بس کوتاهی که با نیروهای مقاومت پنجشیر داشت، در تاریخ ۲۶ مرداد ۱۴۰۰، به ایالت پنجشیر تنها ایالت باقی مانده حمله کرد که پس از چند روز درگیری نوانست آن را تصرف کنند و کنترل تمامی مناطق افغانستان به دست بگیرد. تصرف پنجشیر منجر به پایان جنگ در افغانستان شد.

هم اکنون طالبان با چالش های اقتصادی و امنیتی زیادی مواجه است که یکی از مهم ترین آن ها افزایش نفوذ داعش در افغانستان است و اگر طالبان نتواند آنها را مدیریت کند زمینه های به وجود آمدن بحران مجدد در افغانستان فراهم می شود.

اخیراً نیز مطرح شده که طالبان به شیعیان هزاره دستور کوچ اجباری داده است این مسئله در کنار بمب گذاری در مساجد شیعیان افغانستان به دست گروه داعش، نشان می دهد علی رغم همه ی حرف های طالبان مبنی بر اینکه هیچ اقدام تبعیض آمیزی علیه شیعیان انجام نخواهد شد این گروه همچنان بر اساس آموزه های قدیمی خود رفتار می کند.

## ایستگاه بین الملل

# نمایش مسخره الکاظمی

علیرضا منصورزاده

کارشناسی حقوق



خبراری که در فضای مجازی درباره ترور نخست وزیر عراق در حال دست به دست شدن است اما حقیقت های زیادی در پشت آن نهفته اشاره ای داریم به پشت صحنه اتفاق مصطفی الکاظمی متوجه شده است زمان حکمرانی خودش واریابش آمریکا به پایان رسیده بدلیل اینکه برهنگان در عراق و منطقه ثابت است در گذشته عضوی از عوامل آمریکایی هست و از آنجایی که سیاست های او در عراق جواب نداده و متوجه شده است باید برود گرفتنی است امروز با آقای صدر همراه شده صدری که امروز مطمئنا ناخواسته دارد در زمین دشمن بازی می کند و قصد و نیت او در اولین فرصت منحل کردن گروه های مقاومت و حشدالشعبی عراق است حشدالشعبی که از پارلمان عراق رای گرفته و به عنوان یک سپاه در آمده و با شعار اینکه کشور فقط باید ارتش داشته باشد خوشان و سیاستمداران قدرت طلب عراق میدانند رفتن حشدالشعبی بهتر است زیرا که در آینده نزدیک نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بازی خواهد کرد نیروی که در اوایل تأسیس خودش توانسته دشمنان و تروریست های

داخلی عراق را به نابودی کشاند حتما می تواند جلوی اقدامات ضدعراقی و استعماری و ناسیونالیستی را بگیرد حال آقای صدر و الکاظمی دارند باهم بازی می کنند زیرا مطمئن هستند که هدف مشترکی دارند فقط یکی آگاه است به نفع آمریکا بازی می کند و یکی متوجه نیست علیه ثبات عراق دارد کار می کند آنقدر نمایش ساده و احماقانه ای را درست کرده اند که نیازی به تعقل زیاد یا جست جو نیست زمانی که خانه آقای الکاظمی خالی از لوازم خانگی باشد

زمانی که در و پنجره ها در آمده باشند واژگون شده باشد اما شیشه هایشان نشکسته باشد و زمانی که پدافند آمریکا در منطقه سبز بغداد صدایش در نماید در صورتی که در گذشته امکان نداشت که ضریب خطایی داشته باشد و در مقابلش الکاظمی دستور می دهد با معترضان برخورد شود به جرم اعتراض به تقلب در انتخابات و خواستار بازبینی در انتخاب هستند و در نهایت کار به جایی می رسد که دو تن از اعتراض کننده گان را شهید می کنند و در همین حوالی احزاب سیاسی و گروه های

مقاومت وارد مردم می شوند و نیروی های دولت قرار می کنند و مطمئنا هیچوقت نیرو های مقاومت دست به چنین کاری نخواهد زد زیرا مکتب آن ها مکتب شهیدان ابومهدی المهندس و حاج قاسم سلیمانی می باشد و فقط همه ای این نمایش ساختگی برای این به اجرا در آمده است که به یک هدف کلی برسند نیرو های مقاومت باید منحل بشوند البته نا گفته نماند دستاورد های دیگری هم برایشان دارد فرار از فشار مردم و احزاب در تجمعات و خون شهدا که باید پاسخگو باشند و نتیجه همه عوامل به خواسته های خود می رسند آقای صدر با خیال راحت قدرت برتر عراق می شود نمونه صدام دیگری را اجرا می کند و آقای مصطفی الکاظمی خود را طبق صحبت های خود ناجی ملت نشان می دهد و بزرگترین هدف دم تکان دادن برای آمریکایی ها است که دیگر خیالشان از مقاومت راحت است و می گویند عراق ثبات ندارد و می مانیم اما نکته تکمیلی این است که آن چیزی که می خواستند بشود نشده و همه مطلع دارند می شوند که یه دروغ بزرگ است

## ایستگاه دانشجو ودانشگاه

# هر چه بگوئیم از کیسه مبارکمان رفته

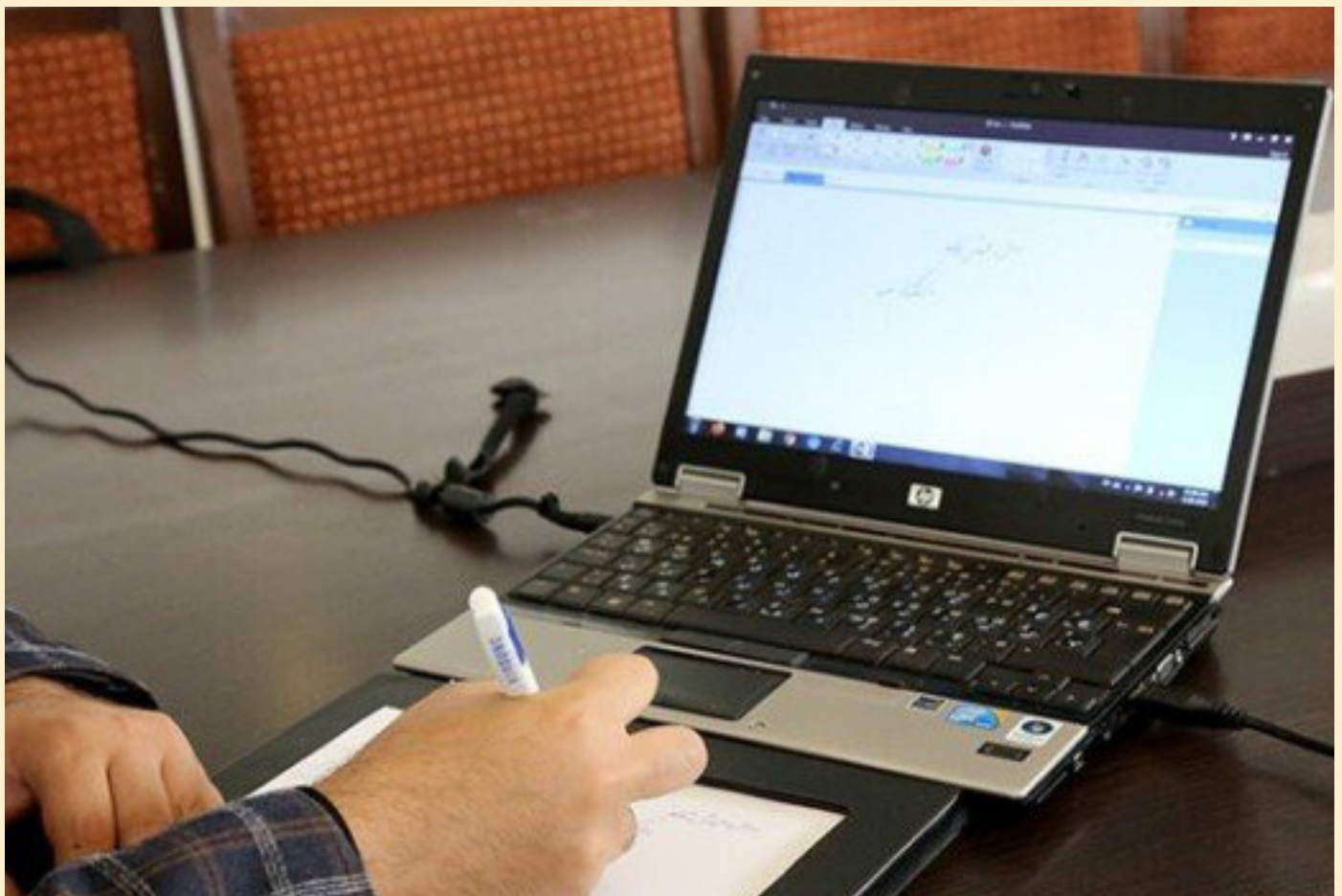
مهتاب سلیمانی کرمانی

کارشناس حقوق

بلااستثنا غیبت می‌خوریم، وقتی اساتید اصل را بر تقلب می‌گذارند مگر خلافت ثابت شود و زمان امتحان را از حد معقول هم پایین تر در نظر می‌گیرند که مبادا دانشجو تقلب کند، وقتی دانشجو عملاً دهانش بسته است، در این فضا چطور می‌توان از عدالت آموزشی صحبت نمود؟ اگر اینترنت ضعیف باشد، اگر برق برود، اگر سیل بیاید باید اثبات کنیم که قوه قاهره بوده و آن موقع شاید دلشان بسوزد و از سر ترحم فکری به حالمان کنند. در نهایت اگر بمیریم هم باید گواهی ببریم و اثبات کنیم که مرگمان طبیعی بوده و عمدا خودمان را نکشته ایم تا مبادا از امتحان یا کلاس درس فرار کرده باشیم. در این دو سال هر چه از ضعف‌ها و کاستی‌ها گفتیم، فقط انرژی خودمان را هدر دادیم و به قول ما کرمانی‌ها: هر چه گفتیم از کیسه مان رفت!

های حوزه آموزش از راه دور شد؛ اما ما قربانی شدیم و هیچ کس نمی‌تواند منکر این مسئله شود. آموزش مجازی نیازمند بستری بود که در زمان کرونا فراهم نبود و همچنان ضعف‌هایی دارد و چوبش را ما دانشجویان خوردیم و می‌خوریم کسی هم نمی‌پرسد درد دارد یا نه؟ عدالت آموزشی تا آنجا معنا داشت که همه دانشجویان از نقاط مختلف کشور در دانشگاه جمع شوند و از همه امکانات دانشگاه بدون تبعیض استفاده کنند ولی آیا عدالت آموزشی در فضای مجازی هم معنا دارد؟ یا باید معنا و تعریف جدیدی از این مفهوم ارائه کرد؟ آیا اساساً طرح ریزی و بنیان آموزش مجازی متفاوت از آموزش حضوری است؟ زمانی که برق مناطق مختلف در ساعت‌های نامشخص قطع می‌شود، وقتی اینترنت با سرعت اچ پلاس اشکمان را در می‌آورد که نمی‌توانیم در کلاس شرکت کنیم و

هیچ یک از ما فکر نمی‌کردیم که روزی دلتنگ دانشگاه، کلاس‌ها و امتحانات حضوری شویم. خاطراتم را به یاد می‌آورم و سخت دلتنگ می‌شوم. دلتنگ روز‌هایی هستم که بعد از کلاس‌ها با دوستانم به سمت باغ ارم می‌رفتیم، ساعت‌ها قدم می‌زدیم و صحبت می‌کردیم، روز‌هایی که تصویر اساتید را با کیفیت فول اچ-دی و صدایشان را بدون قطعی داشتیم، روز‌هایی که بی‌دغدغه دستمان را بر صفحه کاغذ امتحان می‌کشیدیم و جواب‌ها را با فراغ خاطر می‌نوشتیم و وقت کم نمی‌آوردیم، روز‌هایی که به یکدیگر اعتماد داشتیم، روز‌هایی که جنس استرسش با این روزهایمان فرق داشت. کاش به قبل برگردیم. هر چند تجربه زندگی دوساله در فضای دانشگاهی مجازی، تجربه‌های ارزشمندی برایمان به ارمغان آورد و منجر به شناسایی ضعف



## ایستگاه شعر و ادبیات

شقایق پاکی پودنک

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی

# علم و معرفت از دیدگاه خواجه عبد الله انصاری

بیان شوند، معنای لفظ دیگر را نیز می‌رساند؛ اما اگر با هم و در مقابل یکدیگر به کار روند، معنایی کاملاً متفاوت دارند. صوفیان همواره علم و معرفت را در مقابل یکدیگر و متفاوت از هم دانسته؛ اما در اینکه کدام یک برتر از دیگری است، اختلاف نظر داشته‌اند؛ اختلافی که در واقع به اختلاف در تعریف آنها از «علم» و «معرفت» بازمی‌گردد. خواجه عبدالله نیز مانند اکثر صوفیه معرفت را مقامی الهی و علم را مآدون آن می‌داند؛ ولی عده‌ای از صوفیان مانند سهل تستری، بایزید، ابن‌العریف و ابن‌مدین و ابن‌عربی معتقدند که مقام علم، الهی است و بنابراین برتر از مقام معرفت است که مقامی ربانی است.



عالم ظلمت است، جهل و نادانی حکم فرماست.

۳. علم در سیر و سلوک عرفانی

لازم به ذکر است که خواجه عبدالله بسیار بر علم و اهمیت آن در سیر و سلوک تأکید می‌کند؛ زیرا «مرد بی علم راه باز پس می‌رود». از نظر وی جهالت و نادانی زهری است که سالک را به نابودیمی رساند؛ «او که با علم نبود، جهل زهر او بود».

۴. مراتب علم

خواجه عبدالله در کتاب صد میدان علم را به سه قسم استدلالی، تعلیمی و لدنی تقسیم کرده است. علم استدلالی از عقل و تجربه حاصل می‌شود و همان چیزی است که موجب برتری انسان از حیوانات دیگر و باعث تکریم و بزرگداشت آدمیان است. علم تعلیمی که یا به واسطهٔ تعلیم حق در کتاب‌های آسمانی و یا به وسیله تلقین اساتید (پیامبران و امامان) حاصل می‌شود و باعث عزت آدمیان در دو جهان است و علم لدنی علمی است که بی واسطه از جانب خداوند بر قلب آدمی افاضه می‌شود: «علم دانش است و آن به سه قسمت تقسیم می‌شود. علم استدلالی و علم تعلیمی و علم لدنی است».

۵. معرفت در سیر و سلوک عرفانی خواجه عبدالله در منازل السائرین معرفت را در بخش‌های آن قرار داده است. نهایت، امور و مقاماتی است که بعد از سیر و سلوک حاصل می‌شوند. از نظر خواجه، سالک پس از رسیدن به مقام مکاشفه و مشاهده و معاینه که در بخش حقایق واقع‌اند، به معرفت خواهد رسید. و بعد از معرفت است که به فنا (نابودی) و بقا و در نهایت توحید که آخرین باب از بخش‌های آن است، می‌رسد.

۶. فرق علم و معرفت

علم و معرفت از اصطلاحاتی هستند که معمولاً اگر هر یک به تنهایی

سیر و سلوک در تصوف اسلامی نظیر نردبانی است که می‌تواند انسان را از زمین شریعت به آسمان حقیقت برساند. در تاریخ تصوف اسلامی کسانی بوده‌اند که علم را باعث سنگینی خاطر و مانع از سلوک به سوی خدا (الی الله) می‌دانستند. خواجه عبدالله خود، در رسالهٔ سخنی می‌گوید که: عالم علت افزایش است.

۱. سیر و سلوک

از نظر صوفیان، اسلام، دارای ظاهر و باطنی است، ظاهر آن مانند تن است و باطن آن مانند روح: «تن بی روح مردار است، و روح بی تن به کار نمی‌آید». ظاهر اسلام «از شرک‌رهایی یافتن و به ایمان ملحق شدن» است، و باطن اسلام «از خود‌رهایی یافتن و در حق پیوستن» است. برای رسیدن به باطن باید از ۳ ظاهر آغاز کرد و قدم در راهی نهاد که به آن طریقت می‌گویند. در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا» (نساء/۱۳۶)، خواجه عبدالله در تفسیر آن می‌گوید: «ای شما که از روی تصدیق ایمان آوردید از روی تحقیق ایمان آرید. شریعت‌پذیرفتید، حقیقت‌پذیرید».

۲. تمایز میان علم و قول به علم

خواجه عبدالله با تفاوت گذاشتن میان علم و قول به علم، حقیقت علم را آن می‌داند که آدمی را به عمل صالح برساند.

کسی که از علم تنها بر قول و گفته آن اکتفاء کند، نادانی است که به غلط و اشتباه خود را عالم می‌داند؛ زیرا به اعتقاد صوفیان آدمی میان دو عالم نور و ظلمت واقع است. علم حقیقی را باید در عالم نور یا همان عالم الهی جستجو کرد و بر دنیای فانی که



## شناسنامه نشریه



هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دانشجویی عهد

سال: دوازدهم

شماره: ۱۳۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۸/۲۱

شماره مجوز: ۳۴۵/ک ن ش

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: محمد محمدی

سر دبیر: فاطمه دهقانی

هیات تحریریه: علی ابوالحسن مطلق، علیرضا

منصورزاده، شقایق پاکی پودنک، حمیدرضا قربانی،

مهتاب سلیمانی کرمانی، نگین نوروزی

صفحه آرا: امیرعباس مسترشد



# انقلاب دوم

مردم در انقلاب، شاه را از ایران، و در ۱۳ آبان با تسخیر لانه جاسوسی

رهبر انقلاب اسلامی

۱۳۹۰/۸/۱۱

آمریکارا از ایران راندند. لذا امام علیه السلام فرمود: انقلابی بزرگتر از انقلاب اول.